

پرسش ۱۷۸: هدف از آفرینش انسان چیست؟

سؤال / ۱۷۸: ما الهدف من خلق الإنسان؟

هدف از آفرینش انسان چیست؟

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين

خلق الله سبحانه وتعالى آدم (عليه السلام) خليفة في أرضه، هذا أمر أقرته جميع الأديان الإلهية، كما أنه سبحانه وتعالى أسجد جميع ملائكته لآدم (عليه السلام)، والسجود علامة الخضوع والتذلل والانصياع للأمر الصادر من المسجود له، ولم يكن الأمر فقط طاعة لأمر الله سبحانه وتعالى، وإلا لكانت الخصوصيات عبثية وحاشا لله سبحانه وتعالى من العبث، فكون المسجود له آدم خصوصية يجب أن تلاحظ بدقة، كما أن أفضلية آدم (عليه السلام) على الملائكة وجهة أفضليته (عليه السلام) أيضاً مسألة يجب أن تلاحظ لمعرفة الهدف من خلق الإنسان.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و

سلم تسليمًا.

خداوند سبحان و متعال آدم (عليه السلام) را به عنوان خليفه و جانشين خود بر زمين آفريد و اين مقوله‌اي است كه تمام اديان الهى بر آن صحه گذاشته‌اند. همان طور كه خداوند سبحان و متعال تمام فرشتگان را به سجده گزاردن بر حضرت آدم (عليه السلام) فرمان داد، و سجود نشانه‌ي خضوع و تذلل و گردن نهادن به فرمان كسى است كه بر او سجده گزارده شده است. اين فرمان فقط تبعيت از فرمان خداوند سبحان و متعال نبوده است؛ چراكه در اين صورت سجده گزاردن بر آدم (عليه السلام) كاري عبث مى‌بود در

حالی که ساحت خداوند سبحان و متعال از بیهوده کاری بسی به دور است! این که آدم (علیه السلام) مورد سجده گزاری بوده است، ویژگی خاصی دارد که باید به آن دقت نمود؛ مانند برتر بودن حضرت آدم (علیه السلام) بر فرشتگان، و علت برتر بودن او (علیه السلام) نیز موضوعی است که باید دقت شود تا بتوان هدف از خلقت انسان را درک کرد.

**المسألة الأولى: مسألة خلافة الله في أرضه، وهنا مسألة يجب أن نعرفها وننطلق منها، هي أن المستخلف يجب أن يكون مؤهلاً لأداء الغرض الذي استخلف لأجله، فالسؤال هو: ما هو الغرض من هذه الخلافة؟**

مسئله ی نخست، موضوع خلافت و جانشینی خداوند در زمین می باشد. در این جا نکته ای وجود دارد که باید بدانیم و آن را محور قرار دهیم: این که کسی که به جانشینی گمارده می شود (**مستخلف**) باید شایستگی آن را داشته باشد که غرض از به جانشینی گمارده شدنش را برآورده نماید. حال، پرسشی مطرح می شود: این غرض چیست؟

**والجواب: إن الغرض هو القيام بمقام الله سبحانه وتعالى في إدارة الأرض بما فيها من عباد الله سبحانه وتعالى من إنس وملائكة وجن، وما فيها من جسمانية وملکوت علوي وسفلي. فإذا كان هذا هو الغرض فما هي المؤهلات؟**

و پاسخ: غرض و هدف، قائم مقامی خداوند سبحان و متعال در مدیریت زمین و آنچه از بندگان خداوند سبحان و متعال در آن است از انس و فرشتگان و جن، و آنچه از جسمانیت و ملکوت علوی (بالایی) و سفلی (پایینی) در آن است. اگر غرض این باشد، شرایط و شایستگی های مورد نیاز آن کدام است؟

**ولمعرفة هذه المؤهلات أضرب هذا المثال، فأنت إذا كان لديك مصنع تجيد إدارته من كل حيثية وجهة، فهو يحتاج إلى معرفة كيفية الإدارة والأعمال وإصلاحها، ويحتاج إلى شخصية قادرة على التعامل مع العمال في المصنع، والآن إذا أردت أن تضع في مكانك شخصاً يخلّفك في المصنع، فأنت تختار صاحب الكفاءة**

والشخصية المؤهلة للتعامل مع العمال في المصنع، وإذا كنت صاحب شخصية مثالية فإنك ستختار شخصاً ذا شخصية مثالية أيضاً، أو يقرب من ذلك لكي تكون حالة المصنع في حال إدارتك له وفي حال إدارة خليفتك واحدة.

برای درک کردن این شایستگی‌ها مثالی می‌زنم: اگر شما کارگاهی داشته باشید و بخواهید کسی را بیابید که از هر حیث و نظر آن را اداره نماید، این شخص باید چگونگی اداره کردن، از کار افتادن‌ها و رفع ایرادها را بداند، همچنین باید شخصیتی داشته باشد که او را قادر به تعامل با کارگران در کارگاه نماید. اکنون اگر شما بخواهید شخصی را به جانشینی خودتان در کارگاه بگمارید شما کسی که دارای چنین شایستگی و شخصیتی که او را شایسته‌ی تعامل با کارگران کارگاه نماید، اختیار می‌کنید، و اگر شما دارای خصوصیت خاصی باشی شخصی را انتخاب می‌کنی که همان خصوصیت یا نزدیک به آن را نیز داشته باشد تا وضعیت اداره کردن کارگاه توسط خود شما همانند وضعیت آن در حالت اداره کردن آن‌جا توسط جانشین شما باشد.

ومن هنا فإن الله سبحانه وتعالى عندما يستخلف خليفة عنه في أرضه فإنه يجعل خليفته يتصف بصفاته سبحانه وتعالى، لأنه القادر على كل شيء، فيكون خليفته صورة له ووجهه في خلقه، وأسماءه الحسنی، قال رسول الله (صلى الله عليه و آله وسلم): (إن الله خلق آدم على صورته) ([760]).

به این ترتیب خداوند سبحان و متعال هنگامی که خلیفه و جانشینی را از جانب خود بر زمین برمی‌گمارد، او را متّصف و آراسته به صفات خودش سبحان و متعال می‌نماید؛ چراکه او بر هر چیزی توانا است. پس خلیفه و جانشین او وجه او در میان خلقتش و نیز اسم‌های حُسنای او می‌شود. پیامبر خدا (صلى الله عليه و آله وسلم) می‌فرماید: ( خداوند آدم را بر صورت خود آفرید ) ([761]).

ولیکون الخليفة كذلك يجب أن يكون فانياً في أسماء الله سبحانه وتعالى وصفاته، فيكون أمره أمر الله، وفعله فعل الله، وإرادته إرادة الله سبحانه وتعالى،

كما في الحديث القدسي: (لا يزال عبدي يتقرب إليَّ بالفرائض - أي بالولاية لي - حتى يكون يدي وعيني وسمعي) ([762]) أي حتى يكون أنا في الخلق.

برای این که خلیفه و جانشین این گونه باشد، باید در اسما و صفات خداوند سبحان و متعال فنا گردد تا فرمان او فرمان خدا و عملکرد او، عملکرد خدا و اراده‌ی او، اراده‌ی خداوند سبحان و متعال باشد، همان طور که در حدیث قدسی آمده است: «بندهام همچنان با انجام واجبات به من نزدیک می شود یعنی با ولایت من- تا آن جا که دست من، چشم من و گوش من می شود»؛ ([763]) یعنی تا آن جا که «من» در میان خلق شود.

وكما في الحديث: (إن روح المقرب تصعد إلى الله فيخاطبه الله سبحانه وتعالى فيقول: أنا حي لا أموت وقد جعلتك حياً لا تموت، أنا أقول للشيء كن فيكون وقد جعلتك تقول للشيء كن فيكون) ([764]).

همان طور که در حدیث آمده است: «روح مقرب به سوی خداوند بالا می رود. خداوند سبحان و متعال او را خطاب قرار می دهد و می فرماید: من زنده‌ای هستم که نمی میرم و تو را زنده‌ای گردانیدم که نمی میری، من به چیزی می گویم باش، می شود و تو را به گونه‌ای گردانیدم که به چیزی بگویی باش، می شود» ([765]).

والآن، نعود إلى الغرض من الخلافة فأقول: إذا كان الخليفة صورة لمن استخلفه، وقائماً بمقامه في أرضه، وإذا كان صاحب الأرض غائباً، أي غائب عن الإدراك والتحصيل وإلا فهو الشاهد الغائب، وإذا كان خليفته هو صورة له، فتكون معرفة الخليفة هي معرفة من استخلفه الممكنة، لأنه صورة له، وهذا هو الغرض الحقيقي من الخلافة، المستبطن للغرض الأول وهو قيام الخليفة بمقام المستخلف، وهو المعرفة والعلم الحقيقي، فبالأنبياء والرسل عُرف الله، قال تعالى: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) ([766])، أي ليعرفون.

اکنون به هدف اصلی از جانشینی بازمی گردیم و می گویم: اگر خلیفه و جانشین بازتاب کسی باشد که او را به جانشینی گمارده است و قائم به مقام او در زمینش باشد و

اگر صاحب زمین، غایب باشد یعنی غیبت از درک شدن و در دسترس بودن، وگرنه او شاهد غایب می‌باشد و اگر خلیفه و جانشین او وجهی برای او باشد، بنابراین شناخت و معرفت جانشین تنها راه امکان‌پذیر برای شناخت و معرفت گمارنده‌ی او می‌باشد؛ چرا که او وجهی برای او است و این همان غرض حقیقی از جانشینی می‌باشد که در پس غرض نخستین نهفته است و آن، قائم شدن خلیفه و جانشین به مقام گمارنده (مستخلف) است و این، همان شناخت و معرفت و علم حقیقی می‌باشد. به وسیله‌ی پیامبران و فرستادگان، خداوند شناخته شد. حق تعالی می‌فرماید: ( جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام ) [767]؛ یعنی تا مرا بشناسند.

وقال تعالی: (قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ) [768]، فَعَلَّمَ آدَمَ خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَلَائِكَةَ وَعَرَّفَهُم بِالْأَسْمَاءِ الْإِلَهِيَّةِ، فَالْمَلَائِكَةُ خُلِقُوا مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، وَفِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: (السَّلَامُ عَلَى مَحَالِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ) [769].

و نیز می‌فرماید: (گفت: ای آدم! آن‌ها را از نام‌هایشان آگاه کن) [770]. بنابراین آدم خلیفه‌ی خداوند به فرشتگان آموخت و نام‌های الهی را به آن‌ها شناساند، و فرشتگان از نام‌های خدای سبحان آفریده شده‌اند. در زیارت جامع‌ه آمده است: «(سَلَامٌ بَرِّ جَايْغَاهَايِ شَنَاخْتٍ وَ مَعْرِفَتِ خَدَاوَنْدِ)» [771].



[760] - أصول الكافي : ج 1 : ص 134.

[761] - اصول کافی: ج 1 ص 134.

[762] - سبقت الإشارة منه (عليه السلام) إلى هذا الحديث القدسي والتفصيل في المتشابهات : ج 3 / سؤال رقم (100) ،  
وغيره أيضاً.

[763] - پیش‌تر اشاره‌ای از ایشان ع به این حدیث قدسی و تفصیل آن در متشابهات: ج 3 پرسش شماره‌ی ۱۰۰ و همچنین  
سایر موارد، ارایه گردید.

[764] - بحار الأنوار : ج 90 ص 376، وقد تقدمت الإشارة إلى هذا الحديث القدسي في إجابة سؤال رقم (127) .

[765] - بحار الانوار: ج 90 ص 376، و همچنین اشاره‌ای به این حدیث قدسی در پاسخ پرسش شماره‌ی ۱۲۷ گردید.

[766] - الذریات : 56.

[767] - ذاریات: 56.

[768] - البقرة : 33.

[769] - الزيارة الجامعة / مفاتيح الجنان.

[770] - بقره: 33.

[771] - زیارت جامعه - مفاتيح الجنان.